بسم الله الرحمن الرحیم

جلسه24- موضوع: درس خارج اصول حضرت آیت الله عندلیب همدانی - حجیت علم اجمالی تاریخ: دوشنبه 21/9/96

**امتثال اجمالی.**

**در مورد امتثال اجمالی مسأله ی اولی این بود که اگر احتیاط مستلزم تکرار نباشد و تکلیف هم ضمنی نباشد، استقلالی باشد و اصل وجود امر هم مسلم باشد آنچه که معلوم نیست وجوب یا استحباب است کغسل الجمعه آیا اینجا احتیاط کردن به داعی همان امر (وجوبی باشد یا استحبابی) آیا اشکالی دارد یانه؟**

**فقط کسانی که قصد وجه را معتبر می دانند اشکال می کنند و الا نه. مسأله ی دوم همان مسأله ی اول است یا یک تفاوت و آن اینکه تکلیف استقلالی نیست و ضمنی است. مثل سوره ی در نماز. نمی دانم واجب است یا. اینجا حتی کسانی که قصد وجه را معتبر می دانند اشکال نمی کنند چون در جزء جزء قصد وجه را معتبر نمی دانند.**

**مسأله سوم: تکلیف استقلالی است ولی معلوم نیست امری باشد بین الوجوب و الاستحباب بلکه یا واجب است یا مباح است. یعنی یا امر دارد به نحو وجوبی یا امر ندارد. مثل اینکه یا دعای عند الحلال واجب است یا اصلا امری ندارد. نماز عند رؤیه الحلال یا واجب است یا امر ندارد.**

**در این جا اگر کسی باز قصد وجه را معتبر بداند می گوید احتیاط ممکن نیست چون شاید اصلا مباح باشد ولی جواب همان جواب بود که هم اصول لفظیه (اطلاق مقامی) و هم اصول عملیه نافی چیزی به نام قصد الوجه است. اما محقق نائینی اعلی الله مقامه الشریف در اجود التقریرات ط جدید ج3 ص 79 به بعد و فوائد الاصول ط ج ج3 ص 72 به بعد:**

**مرحوم نائینی می فرماید عقل معیار است برای اینکه اطاعت را معنی کند. عقل می گوید اطاعت آنجائی است که عمل عبد منبعث از بعث مولی باشد نه منبعث از احتمال بعث. عقل می گوید تو وقتی مطیع مولایت هستی که اگر احراز کردی مولی در اینجا امری دارد منبعث از آن بعث بشوی. امتثال احتمالی در طول امتثال یقینی است کار امتثال یقینی را نمی کند. چرا؟ اگر شما متمکن از امتثال واقعی نبودید امتثال احتمالی جا داشت. اما فرض بحث ما الان جایی است که متمکن از امتثال یقینی هست می رود سراغ امتثال احتمالی در حالیکه امتثال احتمالی در طول امتثال یقینی است اگر این نبود نوبت به آن می رسد. پس اولا عقل حکم می کند به اینکه تا وقتی امتثال یقینی ممکن است تو وقتی مطیعی که منبعث از آن امر واقعی باشی و اگر ممکن است امتثال واقعی عقل می گوید امتثال احتمالی نه. شما چطور اینجا به این فعل عمل می کنید؟ این امتثال احتمالی است و راه تحقیقت هم باز است. این اولا.**

**ثانیا، اگر هم عقل قاطعانه چنین حکمی را نکند، شک داریم که آیا عقل امتثال احتمالی را مصداق امتثال واقعی می داند یا نه. جای برائت نیست جای قاعده ی اشتغال است. بنابراین اگر آن عمل در واقع واجب بود این امتثال احتمالی تو مجزی از آن واجب واقعی نیست طبق قاعده ی اشتغال. شک در مکلف به است نه تکلیف.**

**مرحله ی دوم: جناب محقق خویی اعلی الله مقامه در مصباح الاصول به استادش اشکال می کند راجع به هر دو حرف.**

**اما جواب فرمایش اول نائینی: که عقل می گوید اطاعت وقت در جایی است امتثال حقیقی باشد. آقای خویی می فرماید خیر اطاعت یعنی انجام دادن دستورات مولی با تمام قیود و شروطش مضافا الی المولی و شما که به حکم عقل استناد می کنی عقل که مشرع نیست تا بگوید چه چیزی در مأمور به دخالت دارد چه چیزی دخالت ندارد. همین که عمل انجام شد منتسبا الی المولی کافی است. اما این که حتما در تحقق اطاعت انبعاث از بعث واقعی نیاز است خیر چنین چیزی معتبر نیست. عقل حق گفتن چنین چیزی را ندارد. عقل فقط می گوید اطاعت خوب است و ترک اطاعت هم عقاب آور است اما حق ندارد در متعلق امر مولی زیاده و کم کند.**

**اما جواب فرمایش دوم نائینی: که اگر تنزل کنیم جای اشتغال است. آقای خویی می فرماید اگر هم تنزل کنیم اینجا جای اشتغال نیست جای برائت است چون مورد از موارد دوران امر بین الاقل و الاکثر است. نماز ده جزئی نماز یازده جزئی و می توانید به اطلاقات مقامیه هم مراجعه کنید بگویید چنین چیزی اگر معتبر بود لکان علی الشارع بیانه.**

**مرحله ی سوم: حضرت استاد: حق با آقای نائینی است در هر دو قسمت:**

**اما در قسمت اول: قبول داریم جناب آقای خویی که عقل حق اضافه کردن قیدی در مأمور به را ندارد اما اگر بخواهیم تشخیص بدهیم کسی اطاعت کرده یا نکرده، این دیگر به شرع مربوط نیست. اینکه اطاعت شده یا عصیان کار عقل و عقلاست. فرمایش نائینی این است که اساس اطاعت از مولایی که برای دستورات خودش قیود و شروط و حدودی قائل است اجازه نمی دهد در محدوده ی قانونش کسی وارد شود، این مولی به حکم عقل اطاعتش وقتی است که من بدانم این مطلب جزء قانون مولاست. اطاعت صرف عمل خارجی نیست. اطاعت یک امری است که ریشه ای در قلب دارد. حالت درونی است که مطیع باشد و ریشه ای در عمل خارجی دارد و ریشه ای هم در قانون دارد. سه پایه باید محقق بشود تا اطاعت محقق بشود. لذا اگر کسی قلبا مطیع نبود یا عملی انجام نداد یا یقین نداشت که این قانون مولاست، اطاعت نیست. حرف نائینی این است که شما باید قانونی را بدانی و عملت مطابق آن قانون باشد تا اطاعت محقق شود. اگر فقط مولی در جایی خود عمل را می خواست اشکال ندارد مثل توصلیات. اما بحث اطاعت در توصلیات وقتی می خواهی خودت را عبد نشان بدهی باید بدانی که اینجا مولی دستوری دارد و این دستور هم فلان تکلیف است.**

**اما حرف دوم آقای نائینی. آقای خویی فرمودند اینجا جای برائت است زیرا مورد، اقل و اکثر ارتباطی است. جناب آقای خویی اقل و اکثر در جایی است که بحث از قیود و شروط مأموربه باشد. اما اگر بحث در مطیع بودن عبد یا عدم مطیع بودن اوست شک در محصل دارم. شک در تحقق عنوان اطاعت دارم و اینجا جای اشتغال است.**

**فرق اینجا با صور قبل در این است که آنجا امتثال اجمالی بود ولی اینجا احتمالی است.**

**والحمد لله و صلی الله علی محمد و آله الطاهرین و عجل فرجهم**